

ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا و اخوتِ جهانی

علیم اشرف خان*

هند از دیرباز مهد تصوف و عرفان بوده است. یوگی‌های هند شهرت به سزایی را برای خود کسب کرده‌اند. ولی در راستای عرفان و تصوف که هندی‌ها علاقه خاصی بدان دارند، مشخص است که دیدگاه عرفان در هند جایگاه مخصوص داشته است. عرفای جهان بالعموم و عرفای چشتیه در هند بالخصوص قلب عموم مردم را با خدمت خلق مسخر می‌کردند. گفت و گوی عرفان و تصوف در هند از کتاب کشف‌المحجوب داتا گنج بخش لاهوری آغاز می‌گردد، ولی این هم شایسته تذکر است که شیخ معین‌الدین چشتی اجمیری (م: روز دوشنبه، ۶ رجب‌المرجّب سال ۶۲۲ ه.ق.) مرید و خلیفه‌اش حضرت خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی ارشی (م: ۱۴ ربیع‌الاول سال ۶۳۳ ه.ق.) مرید و خلیفه ارشد او حضرت بابا فریدالدین گنج شکر (م: روز سه‌شنبه ۵ محرم‌الحرام سال ۶۶۴ ه.ق.) و مرید و خلیفه‌اش خواجه خواجگان حضرت نظام‌الدین اولیا معروف به محبوب الهی (م: ۱۸ جمادی‌الآخر سال ۷۲۵ ه.ق.) خدمات شایانی در زمینه اخوت جهانی به یادگار گذاشته‌اند.

عصر حضرت نظام‌الدین اولیا از دو لحاظ مورد توجه است، یکی این که حضرت امیر خسرو دهلوی مصاحبش بود و دوّم به سببی که طوطی هند حضرت امیر حسن

* استادیار فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. یوگی را می‌توان برابر مرتاض دید که یوگی‌های هند در قدیم کارهای خرق عادت انجام می‌دادند که برای عموم مردم مثل سحر بود.

سجزی جامع ملفوظات وی است. امیر حسن سجزی شاعر صاحب دیوان، ادیب فاضل، عارف معروف و معاصر حضرت نظام‌الدین اولیا بود. حضرت نظام‌الدین اولیا ملفوظات خود را ذکر می‌فرمودند و امیر حسن سجزی آن فرموده‌ها را به قلم می‌نگاشت و به علتی که امیر حسن سجزی الفاظ حضرت نظام‌الدین اولیا را عیناً می‌نوشته است به نام ملفوظات معروف شد و مجموعه ملفوظات را حسن سجزی *فوائد الفواد* نام گذاشت.

شیخ عبدالحق محدث دهلوی در تذکره اخبارالانحیاری فی اسرارالابرار راجع به امیر حسن سجزی چنین ذکر کرده است:

«او را در میان فضلالی عصر عزتی و مکانی دیگر بود. در میان مریدان شیخ نظام‌الدین به قرب و عنایت شیخ امتیازی داشت و در حسن معاملت و صفای سریرت و سایر صفات حمیده یگانه عصر بود و به اوصاف تصوف موصوف، او را نسبت به امیر خسرو تقدّم گونه‌ای هست»^۱.

مؤرخ نامدار عهد میانه هند، ضیال‌الدین برنی در تاریخ فیروزشاهی درباره امیر حسن سجزی چنین اظهار نظر کرده است:

«او را تألیفات نظم و نثر بسیار است ولی شهرتش با *فوائد الفواد* تا قیامت بادآباد»^۲.

حضرت نظام‌الدین اولیا محدث، فقیه، مفسر، عالم متبحر، صوفی با صفا و انسان کامل بود، نیز نفس گیرا داشت. او هر چه در مجالس خود از قبیل ذکر و عطا، پند و نصایح ارائه داده بود در *فوائد الفواد* آمده است.

فوائد الفواد دارای پنج جلد است که هر جلد مشتمل بر مجالس ذیل می‌باشد:

۱ دیوان امیر حسن سجزی را سرکارخانم دکتر نوگس جهان تصحیح کرده‌اند که از انتشارات بخش فارسی دانشگاه دهلوی است و در سال ۲۰۰۵ میلادی چاپ و منتشر شده است.

۲ اخبارالانحیاری فی اسرارالابرار، شیخ عبدالحق محدث دهلوی، توضیح و تصحیح دکتر علیم اشرف خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ایران، ۱۳۸۳ ه.ش، ص ۷-۲۱۶.

۳ تاریخ فیروزشاهی، ضیال‌الدین برنی، به تصحیح شیخ عبدالرشید، علیگروه، اتراپردیش، ۱۹۵۷ م. ص ۳۶.

جلد اول: متضمن بر ۳۴ مجلس از ۳ شعبان ۷۰۷ هجری الی ۲۹ ذی‌الحجه ۷۰۸ هجری (۲۸ ژانویه ۱۳۰۸ میلادی الی ۹ ژوئن ۱۳۰۹ میلادی).

جلد دوم: متضمن بر ۳۸ مجلس از ۲۹ شوال ۷۰۹ هجری قمری الی ۱۳ شوال ۷۱۲ هجری قمری (اول آوریل ۱۳۱۰ میلادی الی ۱۲ فوریه ۱۳۱۳ میلادی).

جلد سوم: متضمن بر ۱۷ مجلس از ۲۷ ذی‌القعده ۷۱۲ هجری قمری الی ۲۱ ذی‌الحجه ۷۱۳ هجری قمری (۲۵ مارس ۱۳۱۳ میلادی الی ۹ آوریل ۱۳۱۴ میلادی).

جلد چهارم: متضمن بر ۶۷ مجلس از ۲۴ محرم‌الحرام ۷۱۴ هجری قمری الی ۲۳ رجب‌المرجب ۷۱۹ هجری قمری (۱۰ می ۱۳۱۴ میلادی الی ۹ سپتامبر ۱۳۱۹ میلادی).

جلد پنجم: متضمن بر ۳۲ مجلس از ۲۱ شعبان ۷۱۹ هجری قمری الی ۲۰ شعبان ۷۲۲ هجری قمری (۷ اکتبر ۱۳۱۹ میلادی الی ۳ سپتامبر ۱۳۲۲ میلادی).

در بارهٔ فوائد/فوائد، جامع ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا چنین نگاشته است:

"این جواهر غیبی و این زواهر لاریبی از خزانهٔ تلقین و نهانخانهٔ یقین خواجهٔ راستین که لقب یافته و ما ارسلناک الیهمم للعالمین ملک الفقرا و المساکین شیخ نظام‌الحق و الشرع و الهدی والذین متع الله المسلمین بطول بقائه. آمین، جمع کرده می‌آید و آنچه از آن شمع ملکوت به سمع می‌رسد، چه عین لفظ مبارک او و چه معانی آن به قدر فهم مختصر خود نبشته می‌شود و این مجموعه را چون دلهای دردمندان از و فایده‌ها می‌گیرند فوائد/فوائد نام کرده شد. و الله المستعان و علیه التکلان".

در ضمن پوشیده داشتن احوال بزرگان در جلد اول خواجه خواجگان چنین بیان نموده است:

"در خطهٔ ناگور بزرگی بود او را حمیدالدین سؤالی گفتندی علیه الرحمه و الغفران ازو سؤال کردند که بعضی از مشایخ نقل می‌کنند و بعد از نقل ایشان هیچ کس نام ایشان نمی‌گیرد و بعضی چون نقل می‌کنند و بعد از نقل ایشان هیچ کس نام ایشان نمی‌گیرد و بعضی چون نقل می‌کنند نام و صیت ایشان به اقصای عالم می‌رسد، این تفاوت احوال از کجاست؟ جواب داد که آن که در حالت حیات در اشتها خود کوشیده است بعد از وفات او نام و صیت او

مدرس می‌شود و آن که در حالت حیات، خود را پوشیده داشته است بعد از وفات نام و صیت او به همه جهان می‌رسد.^۱ تربیت ذاتی در اخوت جهانی سهم خاصی را ایفا می‌کند، حضرت نظام‌الدین در این ضمن ارشاد فرموده است:

”لختی سخن تزکیه افتاد. بر لفظ مبارک راند که کمال مرد در چهار چیز پیدا می‌شود: قَلَّةُ الطَّعَامِ، قَلَّةُ الكلام، قَلَّةُ المنام و قَلَّةُ الصَّحْبَةِ مع الانام“.^۲ هم چنین استقامت در محبت کار دشواری است. خواجه ذکراالله بالخیر در این باره ارشاد داشته است:

”آنچه اولیا بیرون می‌دهند از مستی ایشان است که ایشان اصحاب سُکرند، برخلاف انبیا که اصحاب صحواند سنایی آن را مستی می‌گویند یعنی چون سِر کشف کردی بیش درنگ نباید کرد. آن را بدین عبارت گفته: آن جمال تو چیست مستی تو و آن سپند تو چیست هستی تو بعد از آن بر لفظ مبارک راند که مرد را کشف و کرامت، حجاب راه است کار استقامت محبت دارد“.^۳

حضرت نظام‌الدین اولیا در تربیت عامه مردم قصه‌ای را بیان نموده است که خرید و فروش برای تاجران معنی خاصی دارد، ولی برای خرید و فروش عرفا تأثیری دیگر دارد. خرید و فروش عرفا را از دیدگاه تعلیمات چشتمیه می‌توان به شرح ذیل نگاه کرد: ”سخن در معاملات فقرا افتاد و بیع و شرا. ایشان فرمود که شیخ بدرالدین اسحق علیه الرّحمه و الغفران یکی را شطرنجی داد و گفت این را به بازار ببر و بفروش. بعد از آن گفت که درویشانه فروشی! ازو پرسیدند که درویشانه فروختن چگونه باشد؟ گفت به خانه باز نیارند به هر بهایی بیاید بفروشند“.^۴

۱. فوائد الفوائد، مجلس اول، ج ۱، ص ۳.

۲. همان، ص ۴.

۳. فوائد الفوائد، مجلس ۲۹، ج ۱، ص ۵-۵۴.

۴. همان، مجلد ۳۳، ج ۱، ص ۶۳.

بعد از مجلس سی و چهارم جلد اول کامل شد و حضرت امیر حسن علاء سجزی نوشته است:

"این بود جزوی از فوائد‌الغواد که در قلم آمد از استقبال اوایل شعبان سنه سبع و سبعمایه تا اواخر ذی‌الحجه سنه ثمان و سبعمایه که مدت یک سال و پنج ماه باشد و دیگر اگر خدای عزّ و جل خواسته باشد آنچه از انقاس نفیسه ایشان سماع افتد، هم برین نمط تحریر پیوندد. ان‌شاءالله تعالی بعونه و القاء حسن توفیقه".

جامع فوائد‌الغواد، امیر حسن علاء سجزی در آغاز جلد دوم نگاشته است:

"این صفات عالیه و نفحات غالیه از الفاظ مبارک و انقاس متبرکه خواجه راستین قطب‌الاقطاب فی الارضین ختم المشایخ فی العالمین نظام الحق و الشرع و الهدی و الدّین متع الله المسلمین بطول بقائه آمین، جمع کرده می‌آید. هم برین منوال جز و دیگر که پیش از این تحریر یافته است و جلد شده و نام آن فوائد‌الغواد مقرر گشته، امید که خواننده و نویسنده را جمعیت دو جهانی حاصل آید، ان‌شاءالله تعالی. صحفی که جمع کرده تحفیت پیش یاران

حسن علاء سجزی یکی از امیدواران^۲

وقتی انسان دل‌گیر و ملول است، علاجش همین است که درس محبت را یاد کند، روزی حسن سجزی همین وضع را داشت او پیش حضرت نظام‌الدین اولیا رفت و آنجا درس محبت را یاد گرفت:

"برهمنی بود در شهری، مال بسیار داشت مگر والی آن شهر، او را مصادره کرد و جمله مال و اسباب او بستد و او را مستاصل گردانید. بعد از این برهمن مفلس و مضطرب شده. روزی در راهی می‌رفت، دوستی او را پیش آمد و پرسید که حال تو چیست؟ برهمن گفت نیکو و خوش، آن دوست گفت که همه چیز از تو بستند، خوشی تو از کجاست؟ گفت زَنار من با منست! بعد از

۱. فوائد‌الغواد، مجلس ۳۴، ج ۱، ص ۶۸.

۲. همان، مجلس اول، ج ۲، ص ۶۹.

تقریر معلوم می‌شود؟ گفتم آری، بنده را از استماع این حکایت استظهار باطنی حاصل آمد، معلوم کردم که این حکایت برای تسکین این بیچاره فرمود یعنی توقّف موجب و نایافت اسباب دنیا هیچ غم نمی‌باید خورد. اگر همه جهان برود با کی نیست. محبت حق باید که برقرار باشد^۱.

اگر انسان در دنیا می‌خواهد که اخوت جهانی را زنده نگهدارد، بر او لازم است هر که را می‌بیند از خود بهتر خیال کند و باطن بین باشد. در همین ضمن واقعه‌ای در *فوائد الفوائد* آمده است که یکی از بهترین تربیتها برای اخوت جهانی به شمار می‌آید:

”بعد از آن گفت که هر که را دیده شود به از خود تصوّر باید کرد، اگرچه این کس مطیع باشد و آن دیگری عاصی، زیرا که شاید بود که طاعت این کس آخرین طاعتها باشد و معصیت او آخرین معصیتها! بعد از آن حکایت فرمود که خواجه حسن بصری نورالله مرده می‌گفتی که من هر که را می‌دیدم، به از خود تصوّر می‌کردم. مگر یک روز از آن سزای خود دیدم، و آن چنان بود که روزی حبشی را دیدم بر لب آبی نشسته و قرابه پهلوی خود نهاده هر زمان از آن قرابه چیزی تجرّع می‌کرد و عورتی^۲ نزدیکی او نشسته بود، در خاطر من گذشت که من باری به ازویم! هم در این بودم که کشتی در آب غرق شدن گرفت. هفت تن در آن کشتی بودند، هر هفت غرق شدن گرفتند. آن حبشی بر فورخود را در آب زد و شش تن را بیرون کشید، روی سوی من کرد و گفت ای حسن! آن یکی را تو بیرون کش. خواجه حسن گفت که من متحیر بدانم، بعد از آن مرا گفت که در این قرابه آب است و این عورت که پهلوی من نشسته است والده منست، من برای امتحان تو اینجا نشسته بودم، رو که تو مرد ظاهر بینی“^۳.

۱. *فوائد الفوائد*، مجلس ۱۰، ج ۲، ص ۴-۹۳.

۲. مراد از آن زنی است.

۳. *فوائد الفوائد*، مجلس ۲۳، ج ۲، ص ۲۰-۱۱۹.

معمولاً عرفای جهان اکثراً علیه ریا و مکر و سالوس ایرادهای شدیدی و صحبت‌های مفیدی مطرح نموده‌اند. حضرت نظام‌الدین اولیا هم در ردیف همین عرفاست. او در این ضمن ارشاد داشته:

«لختی سخن در باب جماعتی افتاد که روزه دارند وطی کنند و مقصود از آن غُجب باشد و ریا بعد از آن این بیت بر لفظ دُرُر بار راند:

لنگهت^۱ گم کند ترا فربه سیر خوردن ترا زلنگهن به^۲

عموم مردم جهان این کیفیت را بر خوردارند که در وقت جفا تحمل نمی‌کنند، هم‌چنین غصه‌خوردن هم کار دشوار به نظر می‌آید ولی طبق گفته حضرت نظام‌الدین اولیا، حسن سجزی فرموده‌های عارف معروف را در *فوائد الفوائد* چنین گنجانیده است:

«بعد از آن در باب تحمل و بردباری بسیار غلو فرمود و گفت که هر که جفا را تحمل کند، بهتر از هر که هست فرو باید خورد و در بند مکافات نباید بود. این دو مصرع بر زبان مبارک راند:

هر که ما را یار نبود ایزد او را یار باد و آنکه ما را رنجه دارد راحتش بسیار باد! بعد از این بیت فرمود:

هر که او خاری نهد در راه ما از دشمنی هر گلی کز باغ عمرش بشگفت بی‌خار باد! آنگاه فرمود که یکی خار نهد و توهم خار نهی، این خار خار باشد! در اثنای این کلمات فرمود که میان مردمان هم‌چنین است که با نغزان نغزی و با کوزان کوزی، اما میان درویشان هم‌چنین است که با نغزان نغزی و با کوزان هم نغزی^۳».

۱. لکن به فتح اول و ثالث بر وزن بهمین به معنی گرسنگی و فاقه و روزه باشد که هندوان موافق آیین و کیش و ملت خود به جای آورند. نیز برهان قاطع در مورد «لکن» در پاررفی آورده است: مصحف «لنگهن» رک: لکهن. آندراج همان بیت سنایی را که در «لکهن» شاهد آورده شده، برای لکن هم شاهد آورده است.

(برهان قاطع، ج ۳، ص ۱۹۰۸).

۲. *فوائد الفوائد*، مجلس ۳۴، ج ۲، ص ۱۴۶.

۳. همان، مجلس ۳۵، ج ۲، ص ۱۴۷-۸.

اکثر عرفای هند بالخصوص عرفای چشتیه پول، مال، ثروت، ملک و دولت را اساس بدی‌ها قرار داده‌اند. در همین ضمن امیر حسن علاء سجزی در *فوائد الفواد* نقل کرده است:

”سخن در انفاق افتاد. فرمود که هر گاه که کسی را دنیا اقبال نماید انفاق باید کرد کم بیاید و هر گاه که روی از این کس بگرداند هم بیاید که چون روی برفتن نهاد یاری مردم را به دست خود بدهد، بهتر! بعد از آن فرمود که شیخ نجیب‌الدین متوکل رحمة الله علیه این معنی را بدین عبارت گفتی که چون می‌آید، بده که کم نیاید و چون می‌رود نگاه مدار که نیاید!“^۱

در عموم مردم شعار است که وقتی کسی را نصیحت می‌کنند روبروی مردم می‌گویند و مردی که برایش این نصیحت گفته‌اند وی دلیل و رسوا می‌شود، ولی حضرت نظام‌الدین اولیا برای نصیحت فرموده‌اند:

”لختی سخن در آن افتاد که اگر کسی مر کسی را نصیحت کند باید که در ملأ نکند که آن فضاحت باشد، ملامتی و نصیحتی که خواهد کرد در خلأ کند، بر ملأ نکند!“^۲

حُسن معامله نزد عرفا دارای اهمیّت زیادی است و جامع *فوائد الفواد* هم حُسن معامله را چنین توضیح داده است:

”لختی حکایت امام اعظم ابوحنیفه کوفی افتاد رحمة الله علیه که او در ماه مبارک رمضان شصت و یک ختم کردی، یک در تراویح و سی در روز و سی در شب، بعد از آن فرمود که او چهل سال نماز بامداد با وضوی نماز خفتن گزارد. آنگاه بر لفظ مبارک راند که چندین علما و دانشمندان بوده‌اند، هیچ کس نداند کجا شدند و که بودند؟ این صییت که باقی‌ماند؟ سبب حُسن معامله است و این حیات معنوی است. این را آسان نمی‌توان یافت، شبلی و جنید تا کی بوده‌اند؟

۱. *فوائد الفواد*، مجلس ۱۵، ج ۳، ص ۱۹۴.

۲. همان، مجلس ۱۷، ج ۴، ص ۲۳۷.

مردم هم چنین دانند که دی و پریروز بوده‌اند. این همه سببِ حُسنِ معامله است،
و الله اعلم بالصواب^۱!

تعلیمات اساسی اسلام مکارم اخلاق را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد و آن را می‌پسندد ولی بعضی اوقات دربارهٔ مکارم اخلاق سخن‌هایی از عرفا شنیده می‌شود که مایهٔ تعجب و شگفتی است. حضرت نظام‌الدین اولیا در این مورد واقعه‌ای را در مجلس سخن فرموده بود و امیر حسن سجزی آن را در *فوائدالنفواد* ثبت نموده است:

"لختی سخن در مکارم اخلاق درویشان افتاد. فرمود که شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رحمه الله تعالی علیه و بوعلی سینا با همدیگر ملاقات کردند. چون از یکدیگر جدا شدند. بوعلی صوفی را که ملازم خدمت شیخ بود، بر راه کرد که چون من از خدمت شیخ باز گردم هر چه شیخ در باب من گوید بر من بنویسی. چون بوعلی باز گشت شیخ ابوسعید ابی‌الخیر رحمه الله علیه هیچ ذکر او بر زبان نراند، نه به نیکی و نه به بدی. چون آن صوفی هیچ ذکر او نشنید یک روز از خدمت شیخ سؤال کرد که بوعلی سینا چگونه مردیست؟ شیخ فرمود که مردی حکیم و طبیب و بسیار علم دارد، اما مکارم اخلاق ندارد. صوفی صورت این حال بر بوعلی سینا نوشت. بوعلی از آنجا به خدمت شیخ چیزی در قلم آورد و این معنی هم نبشت که من چندین کتاب در مکارم اخلاق نبشته‌ام. شیخ چرا باید که بگوید که فلان مکارم اخلاق ندارد؟ شیخ تبسم فرمود و گفت که من نگفته‌ام که بوعلی سینا مکارم اخلاق نداد، بل گفته‌ام که ندارد"^۲.

پیش صوفیان و عرفا، نان دادن به گرسنگان یکی از بهترین عبادت است. واقعاً همین کار اخوت جهانی را خاطر نشان می‌سازد. حضرت نظام‌الدین اولیا در ضمن نان دادن به گرسنگان می‌فرماید:

"بعد از آن حکایت مهتر ابراهیم فرمود صلوات الله و سلامه علیه که او طعام نخوردی مگر مع الضیف تا روزی مُشرکی مهمان او شد، مهتر ابراهیم چون دید

۱. *فوائدالنفواد*، مجلس ۳۳، ج ۳، ص ۲۷۷.

۲. همان، مجلس ۴۶، ج ۴، ص ۳۲۱-۲.

که او بیگانه است او را طعام نداد، فرمان رسید که ای ابراهیم ما او را جان می‌توانیم داد، تو نان نمی‌توانی داد!"^۱
 بعد از مجلس شصت و هفتم، جلد چهارم تکمیل می‌گردد و حسن علاء سجزی نوشته است:

"تمام شد دیباچه چهارم از کتاب فوائدالنفواد بعون الله و حسن توفیقه.
 ختم شد این صحف صدق و صفا که از و جان حسن راست طرب
 در سه شنبه دوم از ماه شوال هفصد و نوزده تاریخ عرب
 از آنگاه بار که این کلمات را بدایت کرده شد تا امروز که به نهایت رسیده است.
 راست دوازده ماه است در نظر صرافان وقت داشته آمد. امید که سکه دل‌ها را
 به مهر ایمان عیاری کامل و رواجی تمام حاصل آید. ان‌شاءالله تعالی و الله اعلم
 بالصواب!"^۲

مولانا جلال‌الدین رومی گفته است:

"ما برای وصل کردن آمدیم نی برای فصل کردن آمدیم

همین درس و پیغام که برای اخوت جهانی کلید اساسی است، بازگشت آن در مجالس حضرت نظام‌الدین اولیا هم بگوش می‌رسد:

"لختی سخن در آن افتاد که خلقی پیش بزرگان اسلامی و خدمتی که می‌آرند چه بهتر؟ در این معنی حکایت فرمود که به خدمت شیخ‌الاسلام فریدالدین قدس الله سره‌العزیز کردی خدمتی آورد، شیخ آن کارد بدو باز داد و گفت بر من کارد میارید، سوزن آرید که کارد آلت قطع است و سوزن آلت پیوند"^۳
 عفو و درگذر هم پیش عرفا کم‌تر از عبادت نیست که نقش تربیت و اخوت جهانی را از منابع قرآن و احادیث نبوی گرفته است و اکثر صوفیان آن را عملاً به کار برده‌اند.
 حضرت نظام‌الدین اولیا در فوائدالنفواد چنین ارشاد می‌فرماید:

۱. فوائدالنفواد، مجلس ۵۸، ج ۴، ص ۳۴۹.

۲. همان، مجلس ۶۷، ج ۴، ص ۳۶۸.

۳. همان، مجلس ۵، ج ۵، ص ۳۸۴.

”سخن در اخلاق درویشان افتاد و معامله ایشان با اهل خصومت، فرمود که بادشاهی بود که او را تازانی می‌گفتند مگر او را به غوغایی بکشتند و این تازانی را با شیخ سیف‌الدین باخرزی رحمة الله علیه محبتی عظیم بود، بعد از آنکه او کشته شد دیگری را بادشاه کردند. این بادشاه که به جای پیشینه نشسته بود منجمی ساعی با او مقرب شد و آن ساعی با شیخ سیف‌الدین خصومت داشت. چون ساعی را در محل سخنی شد با بادشاه گفت اگر می‌خواهی که ملک بر تو مقرر باشد، شیخ سیف‌الدین را از میان برگیر که همه تبدیل و تحویل ملک‌ها از او می‌شود. بعد از استماع این کلمات بادشاه همان ساعی را گفت که هم تو برو و هرگونه که دانی شیخ را بیار، ساعی برفت و شیخ سیف‌الدین را پیش برد. مگر بی‌ادبانه بُرد و دستار در گردن کرده پا به استخفاف دیگر، الغرض چون شیخ سیف‌الدین رحمة الله علیه در آمد همین که نظر بادشاه بر او افتاد تا او را چه نمودند در حال از تخت فرود آمد و با معذرت بسیار دست و پای شیخ را بوسیدن گرفت. اسب و خدمتی دیگر بسیار پیش آورد و عذرهای خواست و گفت من هم‌چنان آوردن نگفته بودم، فی الجمله شیخ از پیش پادشاه بازگشت و به خانه آمد. دوّم روز آن بادشاه آن ساعی را دست و پا بسته به خدمت شیخ فرستاد و گفت من حکم کرده‌ام که این ساعی کشتنی است اکنون او را بر تو فرستاده‌ام هر نوع که ترا خوش آید بکش. شیخ چون ساعی را بدید در حال دست و پای او باز کرد و جامه‌ای که خود پوشیده بود او را پوشانید و گفت امروز برابر من در تذکیر بیا. آن روز دوشنبه، به وعده تذکیر شیخ در مسجد درآمد و این ساعی را برابر خود آورد. آنگاه بالای منبر رفت و این بیت گفت:

آنانکه به جای من بدیها کردند
گر دست دهد به جز نکویی نکنم^۱

جلد پنجم بعد از مجلس سی و دوم تمام می‌شود و امیر حسن علا سجزی درباره تکمیل فوائدالنفواد نوشته است:

"اين بود مشك مشام روحانيان كه در مدت سه سال جمع کرده آمد بعد از ترتيب فوائد پيشينه كه آن در مدت دوازده سال تمام شده است. اين هر دو نسخه مجموع پانزده سال است. اگر بعد از اين چند گاه گوهرجان را در صدف سينه قرارى باشد ذره‌هايى كه از آن دريائى رحمت به دست آيند در سلك كلك كشيده شوند و بنده از آن جواهر مايه‌دار شود. ان شاء الله تعالى.

چون به هفصد فزود بست و دو سال بيستم روز از مئ شعبان
 از اشارات خواجه جمع آمد اين بشارت ده فتوح جهان
 شيخ ما چون محمد آمد نام حسن اندر ثنائى او حسان
 تمام شد. الحمد لله رب العالمين و صلى الله على خير خلقه محمد و آله و اصحابه
 اجمعين".

اکثر عرفای چشنيه نه تنها برای اصلاح اخلاق مردم کوشيده بودند بلکه در افکار و کردار آنها سهيم هم بوده‌اند. حُبّ دنيا حتى مال و ثروت را اساس بدی‌ها می‌شمردند. مريدان و پيروان نیز علاقه‌مندان را برای شناخت حلال از حرام، صدق از کذب و صواب از ناصواب تعليم می‌دادند و مردم عمومي را در راه حق و درست رهنمونی می‌کردند. حتى آنها نمازگزاردن را کار يیوة زنان، روزه‌گرفتن را صرفه نان، حج را کار بی‌کاران می‌شمردند و قایل بر اين بودند که دلی درياب که کار آن است و حج اکبر است.

اگر کسی اين چنین تعليمات را برای عموم مردم ارائه دهد، بدون شک در اخوت جهانی سهيم است. احوال‌پرسی هم‌سايه‌گان و نیکوکاری در حق آنها احساسات دوستی، رفاقت، صميمت و مدارا تفکرآتی بوده است که رسن اخوت جهانی را مستحکم‌تر و قوی‌تر ساخته است.

حضرت بابا فریدالدین گنج شکر عارفی بود که درس محبت، بشردوستی، اخوت، مؤدت و خدمت خلق را به ديگران می‌آموخت. نیز جوگیان هندو نیز برای کسب فيض پيش او می‌آمدند. یکی از تأثیرات وی آن بود که با همين اعمال اخوت جهانی دربين

غیرمسلمانان شایع شد. این هم سهم وی است که پیشوایان مذهب سیک مخصوصاً گرو نانک را تحت تأثیر خود آورد که بعضی از منظومه‌های او در کتاب مقدس سیک‌ها به نام گروگرنته صاحب مندرج شده است.

پس در آخر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیزاری از علایق دنیا، آزادی غلامان و کنیزان، ترک دنیا، گوشه‌نشینی، خلق‌پروری، تقوی، پارسایی، پرهیزگاری، اخلاص، نیکوکاری، وسعت قلب، خدمت خلق، مکارم اخلاق، پاکیزگی ظاهر و باطن، عفت نفس، عفو و گذشت، محبت و مؤدّت، حلم و تواضع، انکساری و راستبازی احساسات و افکار عرفای هند بالخصوص چشتیه بود که بر اخوت جهانی تأثیرات مثبتی گذاشته‌اند و از این رو در اخوت جهانی سهم هم بوده‌اند.

منابع

- ۱- اخبارالاخیار فی اسرارالابرار، شیخ عبدالحق محدث دهلوی، تصحیح و توضیح دکتر علیم اشرف خان، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ایران، ۱۳۸۳ هجری شمسی.
- ۲- برهان قاطع، محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان، به اهتمام دکتر محمد معین، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۲ هجری شمسی.
- ۳- تاریخ فیروزشاهی، ضیاءالدین برنی، به تصحیح شیخ عبدالرشید، علیگره، اترپردش، ۱۹۵۷ میلادی.
- ۴- فوائدالنفواد، (ملفوظات حضرت نظام‌الدین اولیا) جامع حضرت امیر حسن علاء سجزی دهلوی، متن فارسی با ترجمه اردو خواجه حسن ثانی نظامی دهلوی، اکادمی اردو، دهلوی، ۱۹۹۰ میلادی.